

درباره «ژرمینال» اثر امیل زولا

«بینوایان» دوم!

صابره سلمانیان
قفسه کتاب

✎ رمان ژرمینال، روایت زندگی فقیرانه کارگران و معدن چیان «مونسو» است. «اتین» در نتیجه

اعتراض به زورگویی سرکارگرش از کار بیکار شده است. او در جست‌وجوی کار برای نجات از گرسنگی به معدن زغال‌سنگ مونسو می‌آید ولی کار در معدن به قدری سخت و دستمزدش آن‌قدر ناچیز است که او تصمیم می‌گیرد قید کار را بزند و به شهر و سراغ کار دیگری برود. اما با دیدن کاترین، دختر یکی از معدن چیان، سخت دلباخته‌اش می‌شود و از ترک مونسو در عوض رسیدن به کاترین منصرف می‌شود. اتین به‌زودی در شهر دوستانی پیدا می‌کند و به جمع مخالفان سرمایه‌داری ملحق می‌شود. دستمزد کم، خطرات کار و گرسنگی، کارگران را به ستوه آورده است و جنبش‌های اعتراضی و آزادی‌خواهانه شکل می‌گیرد. کارگران با مشاهده زندگی مجلل و مرفه کارفرمایان‌شان بیشتر خشمگین می‌شوند. اتین با مشاهده این تفاوت‌ها درباره علت وضعیت نابرابر کارگر و کارفرما به فکر می‌افتد و تصمیم می‌گیرد کتاب‌هایی در این زمینه مطالعه کند. او آنچه را که خوانده با کارگران به اشتراک می‌گذارد. رفته‌رفته بر اثر این صحبت‌ها اتفاقاتی می‌افتد. کارگران به رهبری اتین دست به شورش می‌زنند تا در وضعیت خود تغییری ایجاد کنند. این اقدامات پیامدهایی دارد که زولا با توصیف‌هایی دقیق و شفاف آنها را شرح می‌دهد. خالق آثار بسیاری در ادبیات سراغ طبقه کارگر رفته‌اند و با شرح وضعیت زندگی آنها به سرمایه‌داری و ظلم و زورگویی سرمایه‌داران تاخته‌اند. زولا در این کتاب با توصیف‌های فوق‌العاده از مقاومت، مبارزه، عشق و رنج آدمی می‌گوید. امیل زولا (۱۸۴۰-۱۹۰۲) نویسنده صاحب‌نام فرانسوی است که در جوانی طعم فقر و فلاکت را چشیده بود. این تجربه باعث شد زولا به زندگی تهی‌دستان توجه کند و در آثار خود از وضعیت آنها بنویسد. زولا با خواندن کتاب و مقالات در زمینه پزشکی به استفاده از مستندات علمی در رمان علاقه‌مند شد. او با مشاهده دقیق سوزهای خود به‌خصوص بررسی وضعیت وراثتی آنها به واکاوی شرایط اجتماعی جامعه‌اش مشغول شد. بعد از امتحان این روش در چند آثار و موفقیت چشمگیر آنها، زولا تصمیم گرفت تا مجموعه‌ای عظیم با نام «روگون ماکار» بر پایه عقاید خود منتشر کند. زولا طی ۲۰ سال ۲۰ جلد از این مجموعه را نوشت که ژرمینال، سیزدهمین جلد آنهاست. به ژرمینال امیل زولا به‌خاطر توجه به وضعیت طبقه فرودست جامعه، آن هم در زمان فرمانروایی «ناپلئون سوم»، لقب «بینوایان دوم» را داده‌اند. انتشار این کتاب، محافل ادبی مختلف را به تحسین آن واداشت و با وجود گذشت سال‌ها از نگارش آن به دلیل نوع نگاه زولا و بیان صریحش خواندنی است. سبک ناتوراالیسم ادبی، جنبشی در اواخر قرن ۱۹ است که با سبک واقع‌گرایی، نزدیکی زیادی دارد. ناتوراالیسم به معنای طبیعت‌گرایی تمام، پدیده‌های هستی را با نگاهی علمی و تجربی نگاه می‌کند.



کشمکش اصلی بین «چیزی که اتفاق افتاده» و «چگونگی پنهان کردن آن اتفاق» است. برای کسانی که دستی در نویسندگی دارند این کتاب درس بسیار خوبی برای شخصیت‌پردازی و فضا سازی است. شخصیت‌هایی که به‌واسطه کارهایشان هویت‌شان آشکار می‌شود و نیز فضاهایی که توصیف‌شان خواننده را به دلهره می‌اندازد. شخصیت‌های رمان ورطه شخصیت‌هایی پویا هستند، شخصیت‌هایی که در پایان با آنچه در ابتدا و میانه بودند بسیار متفاوتند، شخصیت‌هایی که تغییر می‌کنند و تغییراتی نیز ایجاد می‌کنند. رمان ورطه توسط نشر گویا در ۶۲۹ صفحه منتشر شده است. گرچه رمان به‌ظاهر پرفصله به نظر می‌رسد، اما بسیار خوش‌خوان است، که این خوش‌خوان بودنش بی‌اغراق مدیون ترجمه بسیار روان مترجم کتاب، سعید کلاتی است. خواندن این رمان را به کسانی که به رمان‌های جنایی علاقه‌مندند پیشنهاد می‌کنم. فقط توصیه‌ام این است که تا کتاب را تمام نکرده‌اند خلاصه داستان پشت جلد کتاب را به هیچ وجه نخوانند!



رفتارهای آلن کم‌کم باعث ایجاد تغییرات اساسی می‌شود و ... مغازه خودکشی از درخشان‌ترین آثار فانتزی سیاهی است که در دو دهه گذشته در جهان نوشته شده است. در سراسر کتاب حضور متراکم مرگ وجود دارد و در مقابل تلاش برای ساختن امید به زندگی، نبردی نمادین و مملو از شوخی‌های ظریف را به وجود آورده است که در نهایت قرار است خواننده را میخکوب کند. در سراسر رمان مغازه خودکشی، ژان تولی مخاطب را به امیدوار بودن و ادامه دادن تشویق می‌کند. او به ما می‌گوید زندگی با وجود همه مشکلاتی که دارد، می‌تواند همچنان زیبا باشد. در واقع این خود ما هستیم که انتخاب می‌کنیم چه چیزی را ببینیم. در انتها اتفاق عجیبی می‌افتد که مسیر داستان تغییر می‌کند. پیشنهاد می‌کنم در لیست کتاب‌های خود این رمان را هم قرار بدهید.

نگاهی به کتاب «ورطه» اثر «ناتسوئو کرینو»

پشت جلد این کتاب را به هیچ وجه نخوانید!



الهام اشرفی
قفسه کتاب

درون رمان شده است. بیشتر شخصیت‌های رمان ورطه، زنان هستند؛ زنانی که به اجبار و به‌خاطر وضعیت معیشت‌شان مجبور به روی دوش کشیدن بار سنگین زندگی‌شان هستند، ولی یک جایی از زندگی کم آورده‌اند و حالا جور دیگری برمی‌آشوبند؛ جوری عجیب، پر از خون و خونریزی و از همه مهم‌تر با خونسردی. در واقع زنان رمان ورطه برای برقراری عدالت، انتقام شخصی را انتخاب می‌کنند. انتخابی که علت پشت تصمیم هر کدام‌شان ریشه در زندگی‌های پر نشیب‌شان دارد.

زن‌های مرتبط به جنایت در کتاب ورطه، انتقامی هولناک را برای برقراری عدالت برمی‌گزینند و نقطه مثبت کتاب آنجاست که نویسنده در هر فصل مفصل و با جزئیات به زندگی آنها می‌پردازد و خواننده را در میان انبوهی سؤال و سردرگمی ناشی از چرایی اتفاق‌ها رها نمی‌کند.

رمان ورطه از دسته رمان‌های جنایی است، ولی معمایی نیست. چون همان اول، جنایت و جنایت‌کار معلومند. معمایی برای خواننده وجود ندارد، فقط تعلیق لو رفتن جنایت و همین‌طور سلسله اتفاق‌هایی که می‌افتد و افرادی که این‌وسط می‌خواهند از ماجرا سر در بیاورند خواننده را تا به آخر می‌کشاند. در واقع در جهان داستانی رمان ورطه،

نام کشور ژاپن برای شما تداعی‌کننده چیست؟ کشوری منظم، با مردمانی آرام، دقیق، کاری و قانع؟ مردمی همیشه خندان که حتی وسط سیل و سونامی حواس‌شان هست که زباله‌هایشان را برای بازیافت تفکیک کنند؟ مردمی که منظم کار می‌کنند، به خوابیدن حتی در یک وجب جا قانعند، بچه‌هایشان در مدارس از همان اول درس فرهنگ و ادب و اصول اجتماعی را به‌خوبی یاد می‌گیرند؟ ولی خواندن کتاب «ورطه» نشان می‌دهد این‌گونه هم که فکر می‌کنیم نیست.

در رمان جنایی ورطه نویسنده، خانم ناتسوئو کرینو دست ما را می‌گیرد و به خیلی از خانه‌های مردم ژاپن می‌برد و ما را با دنیای خاکستری و حتی سیاه آنها آشنا می‌کند. به خانه همان مردمی که فکر می‌کنیم آرام و منظم سر کارهایشان می‌روند و می‌آیند. ولی این رمان این پوسته ظاهری را می‌شکافد و خواننده را به درون اجتماع پرخرج و پراز قسط و وام و بهره‌های سنگین وامی و فساد درون شبکه‌ای شرکت‌های ژاپنی می‌برد. فسادها و فقر اقتصادی که منجر به بروز جنایاتی عجیب از مردمی به‌ظاهر آرام و معصوم

گذری بر کتاب «مغازه خودکشی» اثر ژان تولی

تلاش برای ساختن امید با حضور مرگ



سمیرا چوبداری
قفسه کتاب

«مغازه خودکشی» یک فانتزی سیاه تکان‌دهنده است. این رمان اثری از ژان تولی، نویسنده، طراح و کارگردان فرانسوی است که در سال ۱۹۵۳ به دنیا آمد. این رمان معروف‌ترین اثر ژان تولی است که سال ۲۰۰۷ منتشر شد و تاکنون به بیش از ۲۰ زبان ترجمه شده است.

این رمان درباره خانواده تواج و کسب‌وکار منحصر به فرد آنهاست. خانواده تواج مغازه‌ای با این شعار دارند: «آیا در زندگی شکست خورده‌اید؟ لااقل در مرگ تان موفق باشید.» مغازه آنها که مغازه خودکشی نام دارد، به افرادی که قصد خودکشی دارند خدمات ارائه می‌دهد. خانواده تواج حتی به مشتریان خود مشاوره خودکشی هم می‌دهند و انواع و اقسام روش‌های مختلف برای پایان دادن به زندگی فلاکت‌بارشان را به آنها پیشنهاد می‌کنند. کتاب درباره دوره‌ای آخرالزمانی است که در یک ناکجا آباد است. همه افسرده و محزون به زندگی

کسالت‌بارشان ادامه می‌دهند. محیط زیست به شدت آلوده است و دیگر گلی نمی‌روید. مردم دلیلی برای زنده بودن ندارند. شاد بودن و خندیدن از عجیب‌ترین چیزها به شمار می‌رود و آمار خودکشی بسیار بالاست. در این میان، مغازه خودکشی به خود افتخار می‌کند که به آدم‌ها کمک کند تا از شر زندگی راحت شوند. در این مغازه همه جور خنزرینزی یافت می‌شود. از انواع سم تا طناب‌های دار، از انواع سلاح‌های کمری مناسب برای انتحار تا وپروس‌های کشنده. حتی جانوران و گیاهان سمی هم جزو محصولات این مغازه عجیب هستند. همه چیز در مغازه خودکشی و در خانواده تواج خوب پیش می‌رود. پسر خانواده وسایل جدیدی برای خودکشی اختراع می‌کند و میل به خودکشی در او روز به روز بیشتر می‌شود.

اعضای خانواده کار خود را به خوبی انجام می‌دهند تا این‌که آلن به دنیا می‌آید. آلن برعکس همه آدم‌هایی است که ما تا به حال در رمان دیده‌ایم. او شاد است! لبخند می‌زند و عاشق کمک به دیگران است. قوانین مغازه را رعایت نمی‌کند و به شکل غیرقابل‌باوری مثبت‌اندیش و خوشبین است.

